

حمایت جهانی از کودتای امریکایی شیخ حسن

امیر فیض- حقوقدان

دیروز مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه ای با اکثریت ۸۱ رای موافق تصویب کرد که در نوع خود کاملاً بیسابقه و غیرمترقبه است؛ و موضوع آن قطعنامه محکوم کردن ایران به دلیل نقض حقوق بشر جمهوری اسلامی و متعاقباً و در همان قطعنامه تجلیل از حسن روحانی بمناسبت حمایت از حقوق اقلیت های قومی - از بین بردن تبعیض علیه زنان - و نیز ارایه آزادی های بیان بیشتر بود.

از عجایب این قطعنامه تفاوت گذاشتن بین جمهوری اسلامی و ایران و حسن روحانی است. حسن روحانی رئیس قوه اجرائیه جمهوری اسلامی است که جمهوری اسلامی یک هویت سیاسی (غاصب) ایران است. همیشه جمهوری اسلامی را بمناسبت نقض حقوق بشر محکوم نکرد و رفت سراغ ایران که یک سرزمین و نام هویتی است و در عین حال از رئیس جمهور، جمهوری اسلامی تجلیل کرد. تجلی اعمال یک شخصیت حقوقی از جمله جمهوری اسلامی در اعمال رئیس و مسئول آن شخصیت مستتر است. **تفکیک وجداسازی عمل رئیس جمهور یک کشور از کل نظام یک امر مغرور در فتنه سازی با هدف خاص است.**

تفکیک عمل رئیس و مسئول شخصیت حقوقی (کشور) از اعمالی که در کشور میگذرد در منطق مسئولیت حقوقی قابل قبول نیست چنانکه مجازات شخصیت حقوقی، در مجازات و محکومیت رئیس و مسئول آن مورد حکم است (حقوق مدرن و حقوق اسلامی) و در نهایت و از باب تطبیقی محکوم کردن ایران بجای جمهوری اسلامی و تجلیل از رئیس آن شمولی بر قواعد حقوقی و مسئولیت های حقوق بشری ندارد.

قطعنامه سازمان ملل بنا بر پیشنهاد کانادا که معمولاً خواست ها و برنامه های آمریکا را تصدیق دارد انجام گرفته است و ۸۱ کشوری که در قمر سیاسی آمریکا قرارداد دارند به آن رای موافق داده اند. درست است که قطعنامه سازمان ملل جنبه نمادی و نمایشی دارد ولی محتوی این قطعنامه میگوید که ۸۱ کشور جهان از کودتای شیخ حسن روحانی جانبداری خواهند کرد و مدیریت او را منطبق با سازگاری های حقوق بشری با ذکر مورد که عبارت از آزادی بیان - تبعیض علیه زنان - و از همه مهمتر تبعیض! علیه اقلیت های قومی است دانسته است.

دستاورد قطعنامه سازمان ملل

★ از نگرانی های مهم یک کودتا و اکنش کشورهای جهان نسبت به اقدام کودتا گران است، چرا که اگر کودتا با استقبال و تانید کشورها روبرو نشود کودتا نمیتواند در مسیر تانید جهانی قرار گیرد. قطعنامه اخیر که با واسطه گری کانادا جریان یافته است، پیشاپیش موافقت کشورهای اعمار آمریکا را نسبت به کودتای شیخ حسن و اصلاح طلبان در طبق اخلاص تقدیم اصلاح طلبان

(سربازان وگماشتگان آمریکا) کرده است و این بهترین تضمین به شیخ حسن است که نگران حرکت و تائید جهانی کودتا نباشد.

✳️ درست قبل از تصمیم اجلاس سازمان ملل در محکومیت ایران و تجلیل از شیخ حسن، گزارشگران بدون مرز اعلام کردند >ایران رتبه سوم جهان را از نظر زندانی کردن روزنامه نگاران را دارد<

(۱۵ دسامبر سال جاری)

تقارن زمانی گزارش گزارشگران بدون مرز با قطعنامه سازمان ملل نشان از یک برنامه ریزی منظم و استفاده و استناد سازمان ملل به گزارشگران بدون مرز است، و لاجرم به قطعنامه سازمان ملل و جاهت حقوقی خواهد داد.

✳️ قطعنامه سازمان ملل قدرت اجرایی نسبت به ایران ندارد ولی مستند احراز حق شناخته میشود مقصود آنجاست که قطعنامه متکی به تبعیض و از بین بردن حقوق اقلیت های قومی شده و این تصریح به منزله تائید ادعای تجزیه طلبانی است که به بهانه مزبور خواستار خود مختاری و جدائی از ایران هستند.

اگر کمی دقت کنیم خواهیم دید همانطور که قبل از صدور قطعنامه سازمان ملل، گزارشگران بدون مرز زمینه را برای محکومیت ایران! آماده ساختند دقیقا چند روزی قبل از صدور قطعنامه سازمان ملل مبنی بر تضييع حقوق اقلیت های قومی! مصاحبه ها و جلسات و مقالاتی هم درباره جدائی آذربایجان و ادعای ترکیه مطرح شد و اینها همه نشان میدهد که قطعنامه سازمان ملل که با آن سرعت و تقارن زمانی با اقدامات مقدماتی گزارشگران بدون مرز و تجزیه طلبان کشور صورت گرفته از یک برنامه ریزی دقیق و با هدف سیاسی مهمی برخوردار بوده است.

✳️ **در کمال تاسف تجزی قطعنامه سازمان ملل محدود به اقدامات آتی تجزیه طلبان**

نمیشود بلکه قبج وزشتی آن آنجاست که ماده ۱۱ قطعنامه شورای تجزیه طلبان راهم

تائید میکند و در نهایت یکی از سرافرازی! های شورای مزبور و رئیس آن این خواهد

بود که ۸۱ کشور جهان در سازمان ملل متحد به تضييع حقوق اقلیت های قومی!

و حقانیت ماده ۱۱ قطعنامه شورای تجزیه طلبان رای مثبت داده اند.

✳️ قطعنامه حاوی یک پیامی هم هست و آن اینکه شخص شیخ حسن از طرفداران ماده ۱۱ شورای تجزیه طلبان است زیرا یکی از صفاتی که سبب تجلیل سازمان ملل از شیخ حسن شده طرفداری و حمایت او از حقوق اقلیت های قومی است یعنی همان چیزی که در ماده ۱۱ قطعنامه شورای تجزیه طلبان منعکس است.

✳️ در همین حیص و بیص و بیص رئیس شورای تجزیه طلبان در مصاحبه ای با بی - بی - سی اظهار داشتند که >حساسیت های جدیدی که در غرب نسبت به حقوق بشردر ایران ایجاد شده نتیجه گفتگوهای من با مسئولان غربی بوده است و برای اینکه مدافع حقوق بشرباشم نیاز به رای کسی را ندارم.< (متاسفانه تاریخ مصاحبه ثبت نشده است)

آیا همانطور که رئیس اشاره کرده اند تصمیم و قطعنامه سازمان ملل به محکوم کردن ایران (نه جمهوری اسلامی) و تجلیل از شیخ حسن در مسئله حقوق بشر خاصه ادعای تضييع حقوق اقلیت های قومی! به استناد اظهارات و درخواست های رئیس شورای تجزیه طلبان بوده است؟ پاسخ روشن در دست نیست ولی اظهارات رئیس شورا و شخصیت ایشان بنا بر اصل استصحاب حجت است.

بهر حال نمیتوان باور کرد که مسئله تجزیه ایران به بهانه حقوق اقلیت های قومی که در ماده ۱۱ شورای تجزیه طلبان به عنوان رکن اساسی قطعنامه شورا ذکر شده و رئیس شورا همواره دفاع از آنرا شخصا عهده دار هستند، در مذاکرات مزبور وجهه همت رئیس شورا نبوده است.



وانگهی بوده یا نبوده مهم نیست مهم قطعنامه سازمان ملل است که آنرا مورد

توجه جدی و لحوق قطعنامه آنهم با رای ۸۱ کشور قرارداد داده است که این موفقیت (بخوانید نکبت) به حساب اپوزیسیون خارج از کشور و بیش از همه به حساب شورای تجزیه طلبان و متاسفانه رئیس آن محسوب خواهد بود.

✳ ایران یک نام جغرافیائی و هویت سیاسی است، این نام قابل محکوم کردن نیست؛ محکومیت و همچنین تجلیل متوجه مسئولین و مدیران و حاکمین جمهوری اسلامی است که غاصبانه بر سرزمین ایران حکومت دارند.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر هم افراد طرف تعهد قرار گرفته اند نه سرزمینها؛ و در مجازات های جنایات علیه بشریت و یا جنایات جنگی هم افراد، مسئول و قابل تعقیب و کیفر شناخته شده اند نه کشورها.

✳ تفکیک کردن اعمال رهبر جمهوری اسلامی، رئیس جمهور، مجلس، قوه قضائیه و هیئت دولت در نظام جمهوری اسلامی در قاعده حقوق سیاسی به اعتبار مبنای حقوقی آن کشور غیر ممکن است و فقط در محدوده جرائم شخصی مانند سرقت و تصرف در اموال و امثال آنها قابل تشخیص است.

حاشیه =

بکار بردن واژه ها و عبارات در این تحریر به معنای توقف و رسوب در معانی حقوقی و سیاسی متأثر از عقیده سیاسی نویسنده تحریر نیست.